

# مِنَشِ ظَلِیْغِی

بیانات مقام معظم رهبری در مورد منش طلبگی

تهیه و تنظیم:

معاونت تهذیب و تربیت حوزه‌های علمیه



tahzib.ismc.ir

الله الرحمن الرحيم

## فهرست مطالب

- ۵..... لزوم طبیب دوّار بودن مجموعهٔ روحانیت
- ۸..... میثاق طلبگی یا دکتری افتخاری؟
- ۹..... حفظ قداست طلبگی
- ۱۱..... معنی شأن طلبگی
- ۱۳..... تأثیر حضور روحانیت در بین نیروهای مسلح
- ۱۵..... پیش‌نماز مردمی
- ۱۸..... تاثیر حضور روحانیت در بین نیروهای مسلح
- ۱۹..... لزوم حفظ زئی طلبگی
- ۲۱..... زئی طلبگی
- ۲۲..... اهمیت عمل مبلغ دین
- ۲۴..... شوق‌آفرینی احساس انجام وظیفه
- ۲۵..... لزوم رعایت نظم در آموزش نظامی طلاب
- طلب توفیق خدمتگذاری همیشگی در لباس مقدس روحانیت
- ۲۷.....





لزوم حفظ آبروی هزارساله روحانیت و عمل کردن به وظایف	
این راه	۲۸
امام مردمی بودن را در زندگی و عمل به همه نشان داد	۳۰
توقع و انتظار مردم از روحانیت به عنوان عالمان دینی	۳۱
ضایعه جبران ناپذیر خروج از زئی طلبگی	۳۳
لطمه جبران ناپذیر خروج از زئی طلبگی	۳۵
لزوم توجه به زئی طلبگی	۳۶
تکلیف جامعه روحانیت	۳۷
معنویت؛ تکلیف جامعه روحانیت	۳۸
توجه به عبادی بودن درس در حوزه	۳۹
درس خواندن به عنوان یک وظیفه‌ی شرعی و الهی و کار عبادی	
	۴۱
به درس خواندن باید به عنوان یک وظیفه‌ی شرعی و الهی نگاه	
کرد.	۴۴



## لزوم طبیب دَوَّار بودن مجموعهٔ روحانیت

یکی از چیزهایی که به نظر من به شما کمک میکند، این چیزی است که در مورد نبی مکرم، امیرالمؤمنین فرمود: «طَبِیْبٌ دَوَّارٌ بِطَبِّهِ قَدْ أَحْكَمَ مَرَاهِمَهُ وَأَحْمَى مَوَاسِمَهُ»<sup>۱</sup>! نباید پشت میز و توی اتاق حبس شد. شکل اداری پیدا کردنِ ما مجموعه‌ی روحانی و مجموعه‌ی آخوند، به نفع ما نیست. هر مسئولیتی هم در هر جا داریم، این حالت طلبگی خودمان، حالت آخوندی خودمان، حالت روحانی خودمان را - که انس با مردم، رفتن میان مردم، گفتن به زبان مردم، شنیدن درد دل مردم است - باید از دست ندهیم. البته ما هر دو جورش را در بین روحانیون دیده‌ایم. کسانی بوده‌اند که هیچ سمت رسمی و اداری و اینها هم نداشتند، در عین حال

۱. خطبه ۱۰۸ نهج البلاغه



رفتارشان با مردمی که با آنها مواجه بودند، مثل رفتار یک آدم اداری، خشک، بی‌انعطاف، بی‌توجه، بی‌محبت و بی‌لبخند بوده است. عکسش را هم دیده‌ایم. کسانی هم بوده‌اند که مسئولیتهای اداری داشتند، اما در همان گوشه‌ای و ضلعی که با مردم تماس پیدا میکردند، رفتار محبت‌آمیز، رفتار پدرانه، رفتار مشفقانه و دلسوزانه با مردم داشتند؛ این خوب است، این درست است. پس این هم یک مسئله است؛ یعنی حبس نشدن مجموعه در قالبهای سازمانی. نه اینکه من با سازماندهی مخالف باشم؛ نه، بدون سازماندهی، بدون تشکیلات، مدیریت امکان ندارد و کار هم پیش نمیرود. نخیر، بنده معتقد به نظم سازمانی هستم؛ اما معتقدم که این نظم سازمانی نباید ما را از هویت خودمان خارج کند. ما در همه صورت روحانی هستیم.

بایستی با همان منش روحانی، به شکل روحانی‌ای که در عالم شیعه وجود دارد، مشی کنیم. البته این حالت در مذاهب و ادیان دیگر هم بکلی منتفی نیست؛ یک جاهائی وجود دارد، برای آنها خیلی هم خوب است؛ اما حالا در بین شیعه یک سنتی است. این حالتی که در بین روحانیت شیعه وجود داشته - اینکه با مردم مانوس است، از مردم مرتزق است، نسبت به مردم مشفق است، دردهای مردم دردهای اوست - این را باید حفظ کنید؛ این چیز خیلی مهمی است.<sup>۲</sup>

---

۲. بیانات در دیدار اعضای نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه‌ها - ۱۳۸۹/۰۴/۲۰

## میثاق طلبگی یا دکتری افتخاری؟

مسئله‌ی دکتری افتخاری؛ این یک افتخار است که این دانشگاه اظهار محبت را به ما بکند؛ لیکن من اهل دکتری نیستم؛ همان طلبگی ما کافی است. اگر بتوانیم به میثاق طلبگی متعهد و پایبند بمانیم - که قولاً و فعلاً این میثاق را از دوران نوجوانی و جوانی با خدای متعال بستیم - اگر خداوند کمک کند و ما بتوانیم این میثاق را حفظ کنیم و در همین عالم طلبگی پیش برویم، من این را ترجیح می‌دهم.<sup>۳</sup>

۳. بیانات در دیدار وزیر علوم و استادان دانشگاه تهران - ۱۳۸۸/۱۱/۱۳





## حفظ قداست طلبگی

روحانیت دارای قداست است. مردم به من و شما که نگاه می‌کنند، به خاطر لباسمان، شأنمان و شغلمان، حساب خاصی برای ما باز می‌کنند و یک تقدسی قائلند. بعضی از گناهانی که خودشان می‌کنند، خیال می‌کنند ماها نمی‌کنیم؛ بعضی از کارهای خیری که خودشان انجام نمی‌دهند، خیال می‌کنند ما انجام می‌دهیم؛ خیال می‌کنند ماها دائم در حال ذکر الهی و توجه به پروردگار - که غالباً از آن غفلت می‌شود - هستیم؛ یک چنین تصوراتی درباره‌ی ما دارند. البته این تصورات را نباید تقویت کرد. امام سجاد (سلام‌الله‌علیه) در یکی از ادعیه‌ی صحیفه‌ی ثانیه‌ی سجادیه از خدای متعال شش چیز می‌خواهد، که یکی‌اش این است: «وَلِبَّأْرَاجِحاً»؛ باطنم از ظاهرم بهتر باشد. ماها در



این زمینه گرفتاریم. باید باطنمان از ظاهرمان بهتر باشد. این قداست را چگونه حفظ کنیم؟ حفظ قداست با سلامت مالی، سلامت اخلاقی و حفظ زئی طلبگی است. نمی‌گوییم عباى پاره به دشمنان بیندازیم؛ معنای زئی طلبگی این نیست. معنایش این است که در دنیاطلبی مثل دنیاطلبان عمل نکنیم؛ هر چه هوس کردیم، بخواهیم. من قبلها روایتی دیدم که هر کس هر چه دلش خواست بپوشد، هر چه دلش خواست بخورد و هر مرکوبی که دلش خواست سوار شود، این شخص پیش خدای متعال ملعون است. این شأن پولدارها و پول پرستهاست. ما هم فلان چیز را هوس می‌کنیم، اما حالا پول نداریم، به مجردی که پول گیرمان آمد، فوراً می‌رویم آن را تهیه می‌کنیم؛ منتظریم که از این صد جزء اشرافیگری، وقتی این یک جزئش فراهم شد، نود و نه جزء

دیگر را هم در فرصتهای دیگر همین طور بتدریج فراهم کنیم. این شأن طلبگی نیست. شأن طلبگی این است که انسان یک زئ متوسطی همراه با قناعت، سلامت مالی و سادگی به طور نسبی برای خودش نگه دارد. سلامت اخلاقی، خیلی مهم است. آن وقت قداست حفظ خواهد شد.<sup>۴</sup>

## معنی شأن طلبگی

شأن طلبگی این است که انسان یک زئ متوسطی همراه با قناعت، سلامت مالی و سادگی به طور نسبی برای خودش نگه دارد. سلامت اخلاقی، خیلی مهم است. آن وقت قداست حفظ خواهد شد.<sup>۵</sup>

۴. بیانات در دیدار روحانیون استان سمنان - ۱۳۸۵/۰۸/۱۷

۵. بیانات در دیدار روحانیون استان سمنان - ۱۳۸۵/۰۸/۱۷



## تأثیر حضور روحانیت در بین نیروهای مسلح

حضور مجموعه‌یی به نام عقیدتی، سیاسی در نیروهای مسلح، یکی از الهامات الهی و از برکات پروردگار بر امام بزرگوار ما و مجموعه‌ی دست‌اندرکار امور کشور بود. نقش روحانیون، نقش هدایت و دستگیری معنوی است. همه به روحانی احتیاج دارند - همچنان که به طبیب احتیاج دارند - و اگر روحانی در هر نقطه‌یی به وظایف خود عمل کند، آن‌جا را از لحاظ معنوی آباد خواهد کرد. گاهی وجود ما عمامه‌یی‌ها در جاهایی بی‌اثر می‌شود، یا احیاناً خدای ناکرده اثرهای منفی بر جای می‌گذارد؛ این به خاطر این است که ما در آن مورد با وظایف و هویت و منش یک روحانی ظاهر نشده‌ایم. در طول سالهای متمادی عمر روحانیت شیعه، هر جا روحانیون با منش و هویت روحانی



خود ظاهر شده‌اند، برکاتی بر جای گذاشته‌اند؛ چه در میدان سیاست، چه در میدان معنویت، چه در میدان‌های مربوط به رزم و دفاع از کشور و امنیت، و چه در هر میدان دیگری. شأن روحانی این است. نمی‌خواهم ادعا کنم که حضور روحانیون در نیروهای مسلح در سالهای بعد از انقلاب صددرصد همان طوری بوده است که از ماها انتظار می‌رفته؛ اما می‌خواهم این را عرض کنم که در مجموعه‌ی بزرگ نیروهای مسلح، هر جا علما، روحانیون، فضلا و طلاب جوان با همان منش روحانی حضور داشته‌اند، تأثیرات بسیار گرانبهایی بر جای گذاشته‌اند.<sup>۶</sup>

---

۶. بیانات در دیدار مسئولان عقیدتی، سیاسی نیروی انتظامی - ۱۳۸۳/۱۰/۲۳

## پیش‌نماز مردمی

منش روحانی نباید فرماندهی باشد؛ هرچند تشریفات فرماندهی اصلاً مردمی محض است. شما فرض کنید در فلان محله‌ی تهران یا هر شهر دیگری پیش‌نماز یک مسجد هستید. پیش‌نماز یک مسجد چگونه رفتار می‌کند؟ با امر و نهی و پُسر و پیشرو رفتار می‌کند؟ اگر بکند، مردم به نمازش نمی‌آیند. همیشه گرم‌ترین نماز جماعت‌ها متعلق به پیش‌نمازهای مردمی است: با مردم گرم می‌گیرند؛ با مردم خوش اخلاقی می‌کنند؛ بی‌حوصلگی نشان نمی‌دهند؛ بدخلقی نشان نمی‌دهند، جواب مسأله‌شان را می‌دهند؛ یک وقت اگر کسی بیماری و مشکلی داشته باشد، اگر با پول نتوانند، با اخلاق آن مشکل را تسکین می‌دهند. گفت:

چو وا نمی‌کنی گرهی خود گره مباش

ابرو گشاده باش چو دست گشاده نیست  
 به عنوان آخوندی، دست ما گشاده نیست؛ اما ابرویمان که  
 می‌تواند گشاده باشد. بنده خودم سال‌ها پیشنمازی کرده‌ام؛  
 می‌دانم انسان چگونه باید با مردم رفتار کند. وقتی نماز  
 تمام می‌شد، برمی‌گشتم رو به مردم می‌نشستم. تسبیحات  
 حضرت زهرا را هم که می‌گفتم، افراد می‌آمدند و می‌دیدند  
 راه باز است. جوان می‌آمد، مزلف می‌آمد، بازاری می‌آمد،  
 ریش‌دار می‌آمد، بی‌ریش می‌آمد. آن زمان، پوشیدن  
 پوستین‌های وارونه در میان جوانهای بیتل مد شده بود. یک  
 روز رفتم نماز، دیدم یکی از همین جوانهای آلامد که  
 موهایش را روغن زده، آمده و صف اول کنار متدینین و  
 بازاری‌های خوب و افراد محاسن سفید نشسته. احساس  
 کردم این جوان با من حرفی دارد. نشستم و به او پاسخ نگاه



دادم؛ یعنی اجازه دادم بیاید حرفش را بزند. جلو آمد و گفت آقا! من صف اول بنشینم، اشکال دارد؟ گفتم نه، چه اشکالی دارد؟ شما هم مثل بقیه. گفتم: این آقایان می‌گویند اشکال دارد. گفتم: این آقایان بیخود می‌گویند! این جوان، دیگر از این مسجد پا نمی‌کشد. این جوان، دیگر از این پیشنماز دل نمی‌کند. همین‌طور هم بود؛ از ما دل نمی‌کنند. بنده وقتی مسجد می‌رفتم، در میان صد نفر، اقلان نود نفرش جوانها بودند. بنده هیچ چیز خاصی نداشتم؛ نه یک مایه‌ی آن چنانی معنوی، نه یک مایه‌ی دنیوی؛ اما با مردم بودم.<sup>۷</sup>

۷. بیانات در دیدار مسئولان عقیدتی، سیاسی نیروی انتظامی - ۱۳۸۳/۱۰/۲۳



## تأثیر حضور روحانیت در بین نیروهای مسلح

در مجموعه‌ی بزرگ نیروهای مسلح، هر جا علما، روحانیون، فضلا و طلاب جوان با همان منش روحانی حضور داشته‌اند، تأثیرات بسیار گرانبهایی برجای گذاشته‌اند.<sup>۸</sup>

---

۸. بیانات در دیدار مسئولان عقیدتی، سیاسی نیروی انتظامی - ۱۳۸۳/۱۰/۲۳

## لزوم حفظ زئی طلبگی

دوم، حفظ زئی طلبگی است. زئی طلبگی چیست؟ من زئی طلبگی را در دو جمله می‌توانم معرفی کنم: پارسایی با عزّت، و نظم در تحصیل و زندگی. طلبه، پارساگونه زندگی می‌کند. البته من از اوضاع مادّی حوزه‌ی علمیه، حقیقتاً آشفته و ناراحتم. از مشکلاتی که بسیاری از طلاب و فضلا با آن دست و پنجه نرم می‌کنند - مشکلات مادّی - مّطلعم. گاهی اوقات بعضی از این اطلاعات برای من بسیار تلخ و گزنده است. البته آن مقوله‌ی دیگری است که واقعاً باید برایش فکری کرد. امروز حقیقتاً طلاب علوم دینی از همه‌ی طبقات جامعه - حتی از کارمند و از کارگر و از دیگران - از لحاظ حظّ معیشتی پایین‌ترند - این یک واقعیت است - در حالی که یکی از بزرگترین و شریفترین کارها را اینها انجام

می‌دهند. از ظواهر هم چندان چیزی نمی‌شود فهمید. همان عزّت نفس و مناعتی که طلاب علوم دینی از گذشته با آن سرافراز بوده‌اند، نمی‌گذارد آدمهای سطحی و ظاهربین، بسیاری از بواطن امر را ببینند و بشناسند. من نمی‌خواهم آن مقوله را با این مقوله مخلوط کنم. آنی که حالاً عرض می‌کنم، این است که طلاب - چه آنهایی که برخوردارند، چه آنهایی که دچار سختی‌هایی هستند - باید زوّ طلبگی‌شان محفوظ بماند؛ یعنی حالت پارسایی و قناعت، همراه با عزّت نفس؛ این یک. دوم، نظم در تحصیل و به تبع آن نظم در زندگی؛ که خصوصیت طلبگی نظم است.<sup>۹</sup>

۹. بیانات در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه - ۱۳۷۹/۷/۱۴

## زِيّ طلبگی

من زی طلبگی را در دو جمله می‌توانم معرفی کنم: پارسایی  
با عزت، و نظم در تحصیل و زندگی.<sup>۱۰</sup>

---

۱۰. بیانات در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه - ۱۳۷۹/۷/۱۴

## اهمیت عمل مبلّغ دین

مبلّغ دین و مبینِ معارف دینی، باید به زبان اکتفا نکند؛ بلکه عمل او هم باید ایمان و اخلاص و صفایش را در بیان این حقیقت برای مخاطب ثابت کند و نشان دهد. این که مشاهده می‌کنید در هر کاری که علمای دین پیشگام باشند، مردم پاسخ مثبت می‌دهند و اجابت می‌کنند و جمع می‌شوند و عمل می‌کنند - چه جبهه باشد، چه امر سیاست و چه خود انقلاب - به خاطر این است که این لباس و شغل و زئی، به خاطر عمل اخیار و نیکانی که قبل از ما بوده‌اند، توانسته است ایمان مردم را به خود متوجّه و جلب کند. این، اخلاص علمای گذشته و بزرگان ماست و سرمایه‌ی ارزشمندی محسوب می‌شود. باید این را حفظ کنیم. وقتی علمای دین، چنین ایمان و اخلاصی را از خود نشان

می دهند و عملاً برای مردم ثابت می کنند، کار هدایت آنها را  
آسان می سازند.<sup>۱۱</sup>

---

۱۱. بیانات در دیدار جمعی از روحانیون - ۱۳۷۴/۱۰/۲۷

## شوق آفرینی احساس انجام وظیفه

آنچه برای ما طلبه‌ها همیشه شوق آفرین بوده، احساس انجام وظیفه بوده است. عالم طلبگی، با شکل و فرم و ساخت و محتوای دستگاه‌های صرفاً اداری فرق دارد.<sup>۱۲</sup>

---

۱۲. بیانات در دیدار مسئولان سازمان تبلیغات اسلامی - ۱۳۷۰/۱۲/۰۵



## لزوم رعایت نظم در آموزش نظامی طلاب

رعایت ظواهر نظامی، خیلی مهم است. بدون شک، در امر نظامی، ظواهر عنوان بواطن است. یعنی اگر آن شخص نظامی که جلوی شما می‌آید، چنانچه دیدید یقه‌اش باز است، یا دکمه‌اش افتاده، بدانید که او قطعاً در میدان جنگ کم خواهد آورد. نه این که اگر یقه‌اش بسته بود و دکمه‌اش نیفتاده بود، کار را تمام خواهد کرد؛ نه، این جزو موضوع است؛ تمام موضوع نیست. یعنی اگر همه چیزش تکمیل باشد، اما مثلاً وقتی پیش شما می‌آید، ببینید بند پوتینش باز یا شل است، یقین کنید که او در میدان جنگ، آن کاری که شما می‌خواهید، نخواهد کرد. باید کارش شسته، رفته، مرتب، منظم و پروپیمان - در همان زوی که از او متوقع است - باشد. البته ممکن است از طلبه‌ی نظامی خاصی

متوقع باشد؛ آن زی را مشخص کنید، تا همان زی را داشته  
باشد. ۱۳.

---

۱۳. بیانات در دیدار روحانیون تیپ مستقل ۸۳ امام جعفر صادق (ع) - ۱۳۷۰/۹/۱۱

## طلب توفیق خدمتگذاری همیشگی در لباس مقدس روحانیت

خداوند ان شاء الله توفیق انجام وظیفه و اهتدا به وظیفه به ما عنایت کند؛ ما را هرگز از این زی مقدس روحانی جدا نکند؛ ما را در راه خدمت به دین و خدمت به این رشته‌ی مقدس و افتخارآمیز، زنده بدارد و در همین راه هم بمیراند.<sup>۱۴</sup>

---

۱۴. بیانات در دیدار جمعی از روحانیون استان لرستان - ۱۳۷۰/۰۵/۳۰

## لزوم حفظ آبروی هزارساله روحانیت و عمل کردن به وظایف این راه

اگر خدای نکرده بر اثر بی‌توجهی‌ها، غفلت‌ها، وقت‌نشاسی‌ها، وظیفه‌نشاسی‌ها و منحرف شدن از خط معمولی روحانیت در طول هزار سال، آن ذخیره‌ی هزارساله آسیب ببیند؛ آن الماس گرانبهایی که بر اثر گذشت قرن‌ها و عصرها و دوره‌ها و مجاهدت‌ها و اخلاص‌ها به وجود آمده بود، خدشه دار شود، یا بشکند، باز روزگار زیادی لازم خواهد بود، تا بشود آن چنان ذخیره‌یی را فراهم آورد. پس، در این روزگار، اولین باید ما معلمان و متزئیان به زئی علم و روحانیت، حفظ آن آبرو و حیثیت هزارساله است که بحمدالله در طول دوران انقلاب، این آبرو مضاعف شد و

# چهره‌ی روحانیت شیعه، به خاطر گذشت و فداکاری، درخشندگی پیدا کرد.<sup>۱۵</sup>

---

۱۵. بیانات در دیدار جمعی از روحانیون - ۱۳۶۹/۱۲/۲۲



## امام مردمی بودن را در زندگی و عمل به همه نشان داد

در همه جای عالم، فاصله‌ی میان زندگی رؤسای کشور با مردم کوچه و بازار، فاصله‌ی شاه و گداست و حتی حکومت‌هایی هم که داعیه‌ی توده‌یی داشتند، نتوانستند از زندگی مسرفانه‌ی شاهان برای خود صرف نظر کنند. افتخار نظام اسلامی آن است که امام عظیم‌الشأنش تا پایان عمر در زئّ طلبگی زندگی کرد و مسؤولان کشور بدون استثنا، دامان خود را از طرز زندگیهای رایج مسؤولان در سایر کشورها پاکیزه نگهداشتند و مانند قشرهای متوسط مردم خود زندگی کرده‌اند. مردم میان خود و مسؤولان، آن فاصله‌ی عمیقی را که در همه جای دنیا میان مردم و مسؤولان هست، مشاهده نکردند.<sup>۱۶</sup>

۱۶. پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) - ۱۳۶۹/۳/۱۰

## توقع و انتظار مردم از روحانیت به عنوان عالمان دینی

هر چند که ورود در رشته‌ی تحصیل علوم دینی و طلبه شدن، یک مرحله‌ی سرنوشت‌ساز و مهمی محسوب میشود و طلبه‌ی با عمامه و بی‌عمامه، هر دو جورش را داریم، لکن نفس تلبس به لباس روحانیت و اهل علم دینی و گذاشتن عمامه هم خودش یک مرحله‌ای است و بسیار حائز اهمیت است؛ تا شما عمامه سرتان نیست، مردم یک جور از شما توقع دارند؛ وقتی عمامه سر گذاشتید، این توقع جور دیگری خواهد شد. این لباس هزار سال است که لباس علم است. نمی‌گوییم فقط علما این لباس را داشتند؛ نه، زئی اهل علم، هزار سال است که در روحانیت شیعه - از زمان شیخ مفید و شیخ طوسی تا حالا - محور و مرکز امید مردم برای اموری بوده؛ یکی از آنها عبارت است از تبیین مسائل دینی؛

یعنی مردم در طول این هزار سال همواره از علمای دین توقع داشتند که برایشان مسائل اسلامی را تبیین کنند. یکی از چیزهایی که مردم امید داشتند و انتظار داشتند این بوده که خود اینها عامل‌ترین باشند به آن چیزهایی که میداند و به مردم یاد میدهند؛ یعنی ما چیزی را که به مردم میگوییم، خودمان بایستی عمل کرده باشیم؛ این انتظار مردم است. حالا من آن چیزهایی را که در واقع تکالیف الهی است و انتظارات اصل دین از ما است، بیان نمیکنم؛ انتظار مردم این است.<sup>۱۷</sup>

---

۱۷. بیانات در دیدار و عمامه‌گذاری جمعی از طلاب به مناسبت میلاد حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها)



## ضایعه جبران ناپذیر خروج از زئی طلبگی

امروز، اگر روحانیت از زئی خود خارج بشود و قدرت طلبی و قدرت‌نمایی و سوء استفاده بکند و اگر عملی از او سر بزند که حاکی از ضعف تقوا و ورعی باشد که مردم در او سراغ کردند و به او اعتماد دارند، هر کدام از اینها لطمه‌اش غیرقابل جبران است. از این جهت هم، امروز وضع ما روحانیون استثنایی است؛ یعنی با دوره‌ی قبل از انقلاب فرق می‌کند. البته، در دوره‌ی قبل از انقلاب هم، اگر از یک روحانی کاری سر می‌زد، ضایعه بود و به همه‌ی روحانیت سرایت می‌کرد؛ اما امروز چون نظام، نظام اسلامی است و روحانیون مظهر اسلام هستند، ضایعه فقط متوجه جمعی از روحانیون - یا حتی جمع روحانیت - نمی‌شود؛ بلکه



ضایعه متوجه اسلام می‌شود و به این زودی هم قابل جبران نخواهد بود.

در این زمینه، امام بزرگوارمان خیلی توصیه‌های آموزنده کردند. باید حفظ زئی روحانیت و همان رابطه‌های قدیمی و معمولی با مردم و همان اعمال و حرکاتی که انتزاع تقوا و ورع و ایمان و پایبندی شدید به دین از آن می‌شد و اجتناب از هر چیزی که این اصل را مخدوش بکند، مورد تأکید و توجه قرار بگیرد.<sup>۱۸</sup>

---

۱۸. بیانات در دیدار جمعی از علما و روحانیون سراسر کشور در آستانه‌ی ماه محرم - ۱۳۶۸/۰۵/۱۱

## لطمه جبران ناپذیر خروج از زیّ طلبگی

امروز، اگر روحانیت از زی خود خارج بشود و قدرت طلبی و قدرت‌نمایی و سوء استفاده بکند و اگر عملی از او سر بزند که حاکی از ضعف تقوا و ورعی باشد که مردم در او سراغ کردند و به او اعتماد دارند، هر کدام از اینها لطمه‌اش غیرقابل جبران است.<sup>۱۹</sup>

---

۱۹. بیانات در دیدار جمعی از علما و روحانیون سراسر کشور در آستانه‌ی ماه محرم - ۱۳۶۸/۰۵/۱۱

## لزوم توجه به زیّ طلبگی

باید حفظ زی روحانیت و همان رابطه‌های قدیمی و معمولی با مردم و همان اعمال و حرکاتی که انتزاع تقوا و ورع و ایمان و پایبندی شدید به دین از آن می‌شد و اجتناب از هر چیزی که این اصل را مخدوش بکند، مورد تاکید و توجه قرار بگیرد.<sup>۲۰</sup>

---

۲۰. بیانات در دیدار جمعی از علما و روحانیون سراسر کشور در آستانه‌ی ماه محرم - ۱۳۶۸/۰۵/۱۱

## تکلیف جامعه روحانیت

تکلیف ما جامعه‌ی روحانیت - که بنده هم طلبه‌یی در این مجموعه‌ی عظیم روحانی هستم - این است که هرچه توان داریم، بر استحکام معنوی جامعه‌ی علمی روحانیت بیفزاییم. علمای محترم در این زمینه، عملاً و فکراً و مشیاً و زبناً وارد شوند؛ زیرا آبروی روحانیت، آبروی اسلام و انقلاب - بخصوص آبروی امام - است.<sup>۲۱</sup>

---

۲۱. بیانات در دیدار جمعی از روحانیون سراسر کشور - ۱۳۶۸/۰۴/۰۴



## معنویت؛ تکلیف جامعه روحانیت

تکلیف ما جامعه‌ی روحانیت این است که هرچه توان داریم، بر استحکام معنوی جامعه‌ی علمی روحانیت بیفزاییم.<sup>۲۲</sup>

---

۲۲. بیانات در دیدار جمعی از روحانیون سراسر کشور - ۱۳۶۸/۰۴/۰۴

## توجه به عبادی بودن درس در حوزه

درس در حوزه‌های علمیه یک عبادت محسوب می‌شود. تربیت طلبگی از اوّل این است، درس یک عمل عبادی است. لازمه‌اش این است که این کار مقدس به حساب بیاید. اساتیدی که قبل از درس وضو می‌گیرند تا با وضو بروند سر درس و طلابی که پیش از رفتن به جلسه‌ی درس وضو می‌گیرند تا با وضو در درس حاضر بشوند، در حوزه‌ها کم نیستند. این یکی از چیزهای معمولی و رائج است که وضو بگیرند بروند درس. درس را آن روزی که در حوزه‌ها هیچ امتحانی وجود نداشت و هیچکس از کسی نمی‌پرسید که شما چقدر درس خواندید و بیا بینم چی خواندید. درس را در همان روزها هم طلبه‌ی حوزه با شوق و رغبت و به صورت خستگی‌ناپذیر و با فراموش کردن بسیاری از جلوه‌های



زندگی دنبال می‌کرد هیچ انگیزه‌ای جز انگیزه‌ی معنوی و اخروی و الهی نمی‌تواند یک طالب علم را آن وقتی که از او نمی‌پرسند آقا شما چی خواندید و پیش کی خواندی؟ اینجور وادار به درس خواندن نمی‌کند. ما متأسفانه یک تحلیل درست و حسابی از زندگی طلبگی نداریم.<sup>۲۳</sup>

---

۲۳. بیانات در مراسم سالگرد شهادت دکتر مفتاح - ۱۳۶۴/۰۹/۲۶



## درس خواندن به عنوان یک وظیفه‌ی شرعی و الهی و کار عبادی

عبادت دانستن درس و به عنوان یک کار عبادی یک وظیفه‌ی شرعی و الهی درس خواندن این یک چیز فوق‌العاده مهمی در حوزه‌های علمیه هنوز هم هست. هنوز هم شما ببینید آن جوانی که پا می‌شود می‌رود طلبه می‌شود، از دانشگاه می‌رود، از دبیرستان می‌رود، از روستا می‌رود، از شهر می‌رود. می‌روند طلبه می‌شوند. وقتی که شما بروید از او بپرسید چرا طلبه شدی؟ می‌خواهی چکار بکنی؟ می‌بینید که این، یک هدف معنوی این را کشانده آورده، البته استثنا دارد. مواردی ممکن است کسانی استثنا باشند، انگیزه‌های دیگر داشته باشند اما روال این است، رنگ عمومی این است. به دنبال یک هدف معنوی آمده. می‌گوید

آمدن اسلام را بفهمم، اسلام را تحقیق کنم. آمدن راهنمایی کنم مردم را یاد بگیرم راهنمایی کنم مردم را. اصلاً از اوّل انگیزه این است. در حالی که در دانشگاه قبلی ما و فرهنگ دانشگاهی ما این نبود. اگر از یک دانشجو می‌پرسیدند آقا شما چرا آمدی دانشجو بشوید؟ می‌گفت، آمدن تا یک شغل خوب پیدا کنم، آمدن بشوم مثلاً پزشک، بشوم مهندس، بشوم نمی‌دانم چه، و هیچ ابائی نبود از این که بگوید که آدم تا یک مثلاً درآمد خوبی در آینده داشته باشم، زندگی‌ام را می‌خواهم خوب تأمین بکنم. در عرف حوزه‌ی علمیه این عیب است، اگر از یک طلبه‌ای بپرسند آقا شما برای چی آمدی؟ اگر در دلش هم تأمین زندگی آینده باشد، جرأت نمی‌کند به زبان بیاورد، این یک عیب محسوب می‌شود که ای یک نفر بیاید طلبه بشود برای این که زندگی‌اش را تأمین

بکند! این یک ارزش منفی است، یک نقطه‌ی منفی و سیاه است. ببینید همین خُلُق، همین روحیه، اگر بیاید توی دانشگاه، اگر ما بتوانیم همین یک قدم را برداریم؛ کانال بزیم بین حوزه و دانشگاه روحیه‌ی درس را، عبادت دانستن و به عنوان وظیفه‌ی الهی انجام دادن، این را ما منتقلش کنیم به دانشگاه که البته این انتقال کار آسانی هم نیست. اما ببینید چه قیامت عظیمی برپا خواهد شد.<sup>۲۴</sup>

---

۲۴. بیانات در مراسم سالگرد شهادت دکتر مفتاح - ۱۳۶۴/۹/۲۶



## به درس خواندن باید به عنوان یک وظیفه‌ی شرعی و الهی نگاه کرد.

درس در حوزه‌های علمیه یک عبادت محسوب می‌شود. تربیت طلبگی از اوّل این است، درس یک عمل عبادی است. لازمه‌اش این است که این کار مقدس به حساب بیاید. اساتیدی که قبل از درس وضو می‌گیرند تا با وضو بروند سر درس و طلابی که پیش از رفتن به جلسه‌ی درس وضو می‌گیرند تا با وضو در درس حاضر بشوند، در حوزه‌ها کم نیستند. این یکی از چیزهای معمولی و رایج است که وضو بگیرند بروند درس. درس را آن روزی که در حوزه‌ها هیچ امتحانی وجود نداشت و هیچکس از کسی نمی‌پرسید که شما چقدر درس خواندید و بیا بینم چی خواندید. درس را در همان روزها هم طلبه‌ی حوزه با شوق و رغبت و به صورت

خستگی‌ناپذیر و با فراموش کردن بسیاری از جلوه‌های زندگی دنبال می‌کرد هیچ انگیزه‌ای جز انگیزه‌ی معنوی و اخروی و الهی نمی‌تواند یک طالب علم را آن وقتی که از او نمی‌پرسند آقا شما چی خواندید و پیش کی خواندی؟ اینجور وادار به درس خواندن نمی‌کند. ما متأسفانه یک تحلیل درست و حسابی از زندگی طلبگی نداریم. تا این نکات و ظرائف توی آن منعکس شده باشد. معمولاً شرح حالهایی که هست متوجه به این خصوصیات و این نکات نیست. این کتاب زندگی مرحوم آقاجفی قوچانی که به اسم سیاحت شرق منتشر شده خیلی چیز جالبی است. من به برادران و خواهران توصیه می‌کنم کتاب را بخوانند. خود مرحوم آقا نجفی یک شخصیت بسیار ممتازی بوده، یک انسان معنوی بوده. مرحوم شهید مطهری ایشان را دیده بود در قم. و به

من می‌گفت ایشان اهل مکاشفه و اهل معنا بودند. کتاب دیگری ایشان دارد به نام سیاحت غرب که در احوال عالم برزخ و پس از مرگ نوشته شده به شکل داستانی. مرحوم مطهری می‌گفتند من احتمال قوی می‌دهم که اینها مکاشفات این مرحوم هست، که به این شکل در کتاب سیاحت غرب آن را ثبت کرده. یک چنین شخصیتی. آن جا منعکس است، که طلبه چه جوری درس می‌خواند و چه جوری تلاش می‌کند و چه جور پای درس استاد می‌رود، و استاد را انتخاب می‌کند و چه جور عبادت می‌کند و چه جور گرسنگی می‌کشد، البته زمان آقانجفی با حالا یک مقداری فرق می‌کند، و ما نمی‌گوئیم صد در صد آنجور است، نه، خیلی چیزها هست که زمان مرحوم آقا نجفی نبود و خوب هست، امروز، هست. بهتر از آن هم هست. آن روز طلبه‌ها

جهاد در راه خدا و مبارزه‌ی در راه خدا را مثل امروز بلد نبودند و حضور در میدانهای خطر را. و همت‌های این چنین بلند که ناظر به اداره‌ی دنیای اسلام است و حاکمیت اسلام در کل دنیای بشریت. از آن طرف هم البته تجرد و غنای نفس طلبه‌های آن روز شاید بیشتر بود. توجهاتشان یک مقداری بیشتر بود. طبعاً جلوه‌های زندگی صنعتی یک تأثیراتی می‌گذارد روی روحها و فکرها. اما عبادت دانستن درس و به عنوان یک کار عبادی یک وظیفه‌ی شرعی و الهی درس خواندن، این یک چیز فوق‌العاده مهمی در حوزه‌های علمیه هنوز هم هست.<sup>۲۵</sup>

---

۲۵. بیانات در مراسم سالگرد شهادت دکتر مفتاح - ۱۳۶۴/۹/۲۶

